

موسیقی کلام در برخی از آثار حضرت بهاء الله*

ع-صادقیان

مروری بر برخی از آثار مبارکه نازله در اوائل ظهور حضرت بهاء الله حاکی از این نکته است که هیکل اطهر به قدرت القائی موسیقی در کلام، توجه داشته‌اند. شواهد و دلالتی موجود است که از همان سحرگاهان ظهور، کلام موزون مورد توجه و استفاده مظهر امر بوده است. در اهمیت این مطلب همین بس که اولین اثر خود را در قالب قصیده موزون "رشح عما" بیان داشته‌اند. (۱) "...روایت شده است که حضرت بهاء الله بعضی از الواح خود را به صورت تغنی و ترنم نازل می‌فرمودند." (۲)

حمامه، ورقا، عندلیب

در بسیاری از آثار نازله از قلم جمال مبارک به این مطلب برمی‌خوریم که وجود مبارک خود را به حمامه یا ورقا یا عندلیب که به آهنگ دلکش عراقی و حجازی به شور و تغنی مشغول است تشبیه کرده‌اند.

۱. "إذا طارت الورقاء عن ایک الشناء" (۳) (کتاب اقدس)

۲. "تا حمامة ازلی در شور و تغنی است و بهاء الهی در جلوه و تزئین..." (۴)

(کتاب ایقان)

۳. "قسم به خدا که این حمامه ترابی را غیر این نغمه هاست..." (۵) (کتاب ایقان)
۴. "هذه ورقة الفردوس تغنى على افنان سدره البقاء بالحن قدسٍ مليح..." (۶) (لوح احمد)
۵. "كذلك يذكركم الورقاء في هذا السجن و ما عليه الآ البلاغ المبين..." (۷) (لوح احمد)
۶. "الحمد لله الذى انطق ورقاء البيان على افنان دوحه البيان بفنون الالحان." (۸) (مجموعه الواح، چاپ مصر)
- و نیز در کثیری از آثار مبارکه، وجود مکرم خویش را به این عناوین توصیف فرموده‌اند: حمامه قدسی، حمامه البقاء، حمامه القدس، ورقاء ایکه بقاء، ورقاء الهی، ورقاء احدیه، ورقاء دوحه بquam، ورقه الفردوس، ورقاء البیان، ورقاء البقاء، ورقاء معنوی، ورقاء الاحزان، عندلیب البقاء...
- مطلبی را که نبیل زرنندی از قول جمال مبارک نقل کرده دلیل دیگری بر توجه هیکل مبارک به تأثیر کلام موزون می‌باشد: "در خصوص سایر اشخاصی که با حضرت بهاء الله در سیاه چال محبوس بودند مطالب ذیل را از حضرت بهاء الله شنیدم. فرمودند: نفوسی که در آن سال در آن سامان به شهادت رسیدند با من در سیاه چال محبوس بودند. هوای آن زندان بی اندازه متعفن و سنگین و زمینش مرطوب و کثیف و مملو از حشرات موذیه و فضایش تاریک و نور آفتاب را به هیچ وجه در آن راهی نبود. جمیع ما را در یک محل محبوس نمودند. پای ما در زنجیر و گردن ما در اغلال بود. ما در دو صف روبروی هم نشسته بودیم. نزدیک طلوع فجر در هر شب ذکر می‌گفتیم که بصدای بلند می‌خواندند. صف اول می‌گفتند: قل الله یکفی من کل شیء، صف دیگر جواب می‌دادند: و علی الله فیتوکل المتوکلون (قرآن، ۱۶:۱۶) زندان به قصر شاه نزدیک بود. صدای اذکار مؤمنین به گوش ناصرالدین شاه میرسید و با وحشت می‌پرسید این صدا چیست و از کیست؟ می‌گفتند صدای ذکر بابیان است که در سیاه چال محبوسند..." (۹)
- در اثری به امضای (خ. ادم) (میرزا آقا جان خادم الله) به عنوان (مخدوم مکرم و آقای مفتاح جناب نبیل جلیل من اهل قا علیه ۶۹۹ بهاء الله) الابهی بلحاظ انور ملاحظه فرمایند) از جمله چنین آمده است: "...فرمودند بنویس بجناب نبیل علیه ذکر و بهائی و نفحات قمیصی و فوحات اوراد ریاض عرفانی ثم اذکر اذ کنا فی سجن ارض طاء چهار شهر در آن ارض در سجنی که شبه آن دیده نشده با غل و زنجیر بودیم و جمعی از اجباء

در حضور بودند و آن ایامی بود که کَلّ از سطوت سلطان و غضب اولیای او خائف و مضطرب و پریشان بودند... مع این بلایای وارده و رزایای نازله و محن محیطه، احباب را امر فرمودیم این آیه مبارکه را به آهنگ خوش ملیح تلاوت نمایند: «هو حسبی و حسب کل شیء و کفی بالله حسیبا» قسم برشحات بحر معانی که فرح و سروری در آن مقام ظلمانی مشاهده شد که شبه آن از برای هیچ یک از احباب از بعد دست نداد و شوق و اشتیاق بمقامی رسیده بود که هر یک را بجهت شهادت می طلبیدند بکمال رضا بر می خواست و با دوستان مصافحه می نمود و با وجه منیر و قلب مطمئن بمقرّ فدا توجه می نمود... ۲۰ شعبان سنه ۱۲۹۷. (۲۰)

کوشش نگارنده در این مقاله، نقل شواهدی از آثار جمال اقدس ابهی و نشان دادن و دقایق موسیقائی در آن آثار مبارکه است و امیدوار است این پژوهش مقدمه ای برای تحقیقات وسیع تر و کامل تر محققان آینده باشد.

بحثی در موسیقی کلام

پیش از ورود به اصل مطلب باید گفت هر اثر، چه منظوم و چه منشور، از ترکیب کلمات بوجود آمده است. هر کلمه با آهنگ و طنینی که دارد و تأثیری که بر دستگاه شنوایی مخاطب می گذارد، دارای ممیزه و مشخصه صوتی و موسیقائی مخصوص به خود است. این کلمات با طنین و زنگ مخصوص خود، وقتی در کنار هم قرار گیرند و به صورت جمله یا بیت ترکیب شوند، بر حسب کیفیت ترکیبی که یافته اند، به همراه مفاهیمی که حامل آنها هستند در شنونده تأثیرات گوناگون می گذارند. و اگر بدرستی و استادی ترکیب شوند، بهترین و بیشترین تأثیر را بر شنونده یا خواننده می گذارند و این چیزی جز "حسن ترکیب" نیست که از اصول مسلّم سخن بلیغ شمرده شده است. وقتی سخن از "موسیقی کلام" به میان می آید، ذهن انسان بی اختیار به "وزن" متوجه می شود. ما میدانیم که اساس موسیقی بر وزن (ریتم) نهاده شده است. هر آهنگ موسیقی مرکب از "ریتم هائی" در فواصل "گام" های کوتاه و بلند است. در اینجا بواسطه "وزن" متوجه رابطه تنگاتنگ شعر با موسیقی می شویم و وجه اشتراک این دو هنر را در می یابیم. علت بوجود آمدن محور عروضی هم چیزی جز وجه مختلف الاوزان نیست. همین محور مختلف الاوزان هستند که الحان حماسی و رزمی، هنری و عاشقانه، تغزل، مرثیه و مانند آن را بوجود آورده اند.

آنچه لحن اشعار را در شاهنامه فردوسی، خسرو و شیرین نظامی، غزلیات حافظ، و مولوی (شمس) از یکدیگر متمایز می‌کند اوزان گوناگونی است که هر یک از شعرا برای بیان مفاهیم و حالات روحی در اشعار خود اختیار کرده‌اند. آنچه شعر عروضی (و بسیاری از اشعار نو) را از نثر تمایز می‌بخشد، عمدتاً "وزن" است. وزن هم چنانچه دیدیم جز آهنگ و موسیقی کلام نیست. اگر دقت کنیم حتی در نثرهای مسجع هم نوعی وزن حکم فرماست.

شادروان دکتر غلامحسین یوسفی برای تأثیر کلام چند عامل از جمله وزن و آهنگ و نیروی معنوی کلمات و نیروی القاء و قدرت تأثیر را برشمرده است: "وزن و آهنگ یکی از ارکان مهم شعر است. زیرا شاعر با اختیار سخن موزون، در شنونده شور و هیجانی بر می‌انگیزد و او را برای دریافت شعر خویش آماده می‌سازد و به خصوص که در همان حال نیروی معنوی کلمات نیز بر آن افزوده می‌شود و اندیشه و خیال او را به دیگران القام می‌کند. اسلوب و صورت در شعر وقتی زیباست که در عین تأثیر و شورانگیزی، به تفهیم معنی و مضمون به خواننده نیز نائل آید. بدیهی است شعر باید از نیروی القاء و قدرت تأثیر بسیار برخوردار باشد تا در این کار کامیاب گردد" (۱۱). این شرایط را علاوه بر آثار منظوم جمال مبارک، به آثار منشور حضرتشان هم می‌توان تسری داد و تطبیق کرد و بخصوص "نیروی معنوی" را که نویسنده قائل شده، و ما آنرا در آثار آن حضرت ناشی از منشاء الهی میدانیم.

همین نویسنده علاوه بر "حسن ترکیب" از جمله ممیزات موسیقائی که برای تأثیر سخن قائل شده "گوشنواز بودن" را اضافه می‌کند و می‌نویسد: "... نکته در این است که کلمات علاوه بر ادای معنی، صوتی را بگوش می‌رسانند که این اصوات وقتی در کنار هم قرار گیرند آهنگی خاص بوجود می‌آورند، مناسب مفاهیم و حالات گوناگون. بنابر این شاعر توانا آن است که از کیفیت آنها غافل نماند و این لطیفه را درک کند. مبحث تنافر حروف و تنافر کلمات در معانی و بیان و جناس در بدیع نمودار توجهی است به جنبه صوتی الفاظ. اما این اثیر می‌نویسد علمای معانی و بیان راجع به صفات الفاظ مفرد سخنانی گفته و اختلاف نظر و آراء گوناگونی داشته‌اند. در صورتی که اگر در باب زیبایی و نازیبائی بعضی الفاظ تأمل می‌کردند به این نتیجه می‌رسیدند که الفاظ در زمره اصواتند و مرکب از مخارج حروف. بنابر این اگر گوش از لفظی لذت برد، زیباست. و اگر به گوش ناخوش آید نازیباست..." (۱۲)

با توجه به آنچه نقل شد در آثار اولیه نازل از قلم جمال مبارک علاوه بر آثار منظوم، آثاری در قالب نثر وجود دارد که چنان لطیف و پراحساس بیان گردیده‌اند که به مرز نظم نزدیک می‌شوند. از جمله می‌توان به کلمات مکنونه، لوح بلبلان الهی، قسمتی از کتاب ایقان، لوح شکر شکن و ده‌ها اثر دیگر اشاره کرد. گر چه این الواح مبارکه در کسوت نثر نازل شده‌اند ولی از نظر رقت و گوشنوازی و شورانگیزی کلام با شعر تفاوتی ندارد.

هر اثری که از قدرت تاثیر و القاء مفهوم برخوردار باشد حالتی را به شنونده القاء می‌کند و طنین آشنائی را در ذهن وی تداعی می‌نماید. مثلاً لحن لطیف و گوشنواز کلمات مکنونه زمزمه جویباری را که در بستر سبزه‌زاری به آرامی جریان دارد در خاطر تداعی می‌نماید و یا برگردان مهیمن و پر طنین لوح ناقوس (سبحانک یا هو، یا من هوهو، یا من لیس احدًا الا هو) آبشار عظیمی را که از ارتفاعات با صدای مهیب و پرطنین، بی‌امان و پرتوان از فراز صخره‌ها به پائین می‌ریزد، به خاطر می‌آورد.

عامل تکرار و توالی در برخی از آثار مبارک

در مروری بر برخی از آثار در الواح نازل از قلم حضرت بهاء الله به این نکته متوجه می‌شویم که هیکل اطهر به عامل تکرار و توالی و تسلسل در این گروه از آثار توجه بسیار داشته‌اند. بدین معنی که در یک لوح در پایان یا ابتدای هر جمله کلماتی را مانند ترجیع‌بند متوالیا تکرار فرموده‌اند و خواننده متوجه این مطلب می‌شود که هیکل اطهر به مفاهیم یا معانی این کلمات توجه مخصوص داشته‌اند. تکرار و توالی می‌تواند به یک یا چند مقصد از مقاصد زیر باشد:

۱. تأکید بر جمله یا کلمه مورد تکرار به قصد تأثیر شدید بر مخاطب
۲. القای معنی و مفهوم موجود در جمله یا کلمه مورد تکرار در ذهن مخاطب
۳. تشبیت و تمرکز مفهوم کلمه یا جمله مورد تکرار در حافظه و ضمیر مخاطب
۴. ایجاد حالت روحی ناشی از مفهوم یا مفاهیم موجود در کلمه یا جمله مورد تکرار در مخاطب از قبیل غم، شادی، تذکر و تنبّه، توجه و مانند آن (مثلاً برای شادی، لوح "بلبلان الهی" و برای حزن "لوح احتراق")
۵. ایجاد وزن و طنینی که از کلمه یا جمله مورد تکرار حاصل می‌شود به قصد تمرکز در ذهن مخاطب

۶. انتقال حالت و احساس گوینده به وسیله کلمه یا جمله مورد تکرار به مخاطب

۷. جلب توجه و حصر نظر مخاطب به کلمه یا جمله مورد تکرار

۸. خاطر نشان کردن اهمیت کلمه یا جمله مورد تکرار به مخاطب

دکتر حسین فاطمی در اهمیت تکرار چنین می‌نویسد: "خاصیت تکرار، تأکید است و تأکید زمینه تصویر را پررنگ‌تر نشان می‌دهد و، اگر آنرا جزء وزن شعر به مفهوم کلی آن بگیریم، در آن صورت به گفته خواجه نصیرالدین طوسی "بوجهی اقتضاء تخیل کند".
 قدما به تکرار توجه داشته‌اند و یکی از ضایع بدیع را تکرر با مکرر نامیده‌اند و آوردن آنرا برای تأکید و یا ایجاد وزن میدانسته‌اند. در شعر مولوی تکرار نقش عمده‌ای را برعهده دارد و کلام را به مرز موسیقی و کیفیت انتزاعی آن می‌رساند به طوری که اگر کسی زبان فارسی را نداند با شنیدن این گونه اشعار او به وجود شور درونی گوینده اش پی میبرد... " (۱۳)

در میان سخن‌سرایان بزرگ زبان فارسی، مولوی (در دیوان شمس) بیش از هر سراینده دیگر به عامل تکرار و توالی در غزلیات خود توجه داشته و در حقیقت با تکرار کلمه یا کلمات در هر بیت یا مصراع، موسیق جدیدی را در هر غزل ابداع کرده است. این ضرب‌های سریع باعث شده‌اند که مولوی شور و شیدائی و عشق و جذبه درونی خود را در بستر ابیات مانند رودخانه‌ای خروشان جاری سازد و حالات روحی خود را به خواننده منتقل نماید.

در غزلی که نقل می‌شود مولوی سعی کرده با تکرار کلمه توئی و مرا تأکید خود را بر مفهوم این دو کلمه نشان دهد. بطوریکه ملاحظه می‌شود. در این غزل ۸ بیتی سی بار کلمه توئی و ۱۱ بار کلمه مرا تکرار شده است:

یار مرا، غار مرا، عشق جگرخوار مرا	یار توئی، غار توئی، خواجه نگهدار مرا
نوح توئی، روح توئی، فاتح و مفتوح توئی	سینه مشروح توئی، بر در اسرار مرا
نور توئی، سور توئی، دولت منصور توئی	مرغ گه طور توئی، خسته به منقار مرا
قطره توئی، بحر توئی، لطف توئی، قهر توئی	قند توئی، زهر توئی، بیش میازار مرا
حجره خورشید توئی، خانه ناهید توئی	روضه امید توئی، راه‌ده‌ای یار مرا
روز توئی، روزه توئی، حاصل دریوزه توئی	آب توئی، کوزه توئی، آب ده این بار مرا
دانه توئی، دام توئی، باده توئی، جام توئی	پخته توئی، خام توئی، خام بمگذار مرا
این تن اگر کم تندی، راه دلم کم زندی	راه شدی، تا نبدی این همه گفتار مرا (۱۴۱)

البته از این دست غزلیات در دیوان شمس فراوان وجود دارد که مولوی عامل تکرار را برای القاء معنی و تأکید بکار گرفته که برای پرهیز از طول کلام، خوانندگان را به دیوان مزبور احاله می‌دهد.

سخن موزون و تکرار کلام در ادوار گذشته

در ادوار گذشته آثار دینی موزون متعددی وجود داشته که به تکرار و با آهنگ خوش و موزون خوانده میشده است که از جمله میتوان به "وداها" در آئین برهما و "سرودگهان" در آئین زردشت و مزامیر داود در عهد عتیق اشاره کرد.

در دیانت مسیحی نیز آوازها و سرودهایی در ستایش آن حضرت وجود دارد که فرق مختلفی مسیحی در کلیساهای خود به صورت دسته جمعی (کُر) همراه با آهنگ می‌خوانند. غالب مندرجات قرآن کریم را جملات مسجع و موزون تشکیل میدهد و گر چه آن سفر جلیل در قالب نثر نوشته شده ولی به خاطر اوزانی که در ساختمان جملات آن وجود دارد آن را می‌توان (نوعی شعر منشور) محسوب داشت که وزن و موسیقی کلام در سراسر مندرجات آن ساری و جاری است.

از دیر باز، قاریان خوش صوت، با رعایت علم تجوید و استفاده از اوزان کلام در این کتاب مجید، قرآن کریم را با لحن حجازی قرائت کرده و می‌کنند.

در اسلام ادعیه متعددی وجود دارد که از جمله می‌توان به دعای "جوشن کبیر" منسوب به حضرت رسول و دعای کمیل منسوب به حضرت امیر و دعای ندبه منسوب به امام غائب و دعای سحر از امام محمد باقر (که اسامی ماههای بیانی از آن استخراج شده) اشاره کرد. در بسیاری از ادعیه اسلامی (شیعه) کلمات و جملاتی از صفات جلالیه و جمالیه باری تعالی تکرار شده یا صفاتی هم‌وزن در کلام مورد تأکید قرار گرفته. مثلاً از دعای "جوشن کبیر" برخی جملات نقل می‌شود: "اللهم انی اسئلك باسمک یا حنان، یا متان، یا دیتان، یا برهان، یا سلطان، یا رضوان، یا غفران، یا سبحان، یا مستعان، یا ذالمَن و البیان" و نیز: "اللهم انی اسئلك باسمک یا علی، یا وفی، یا غنی، یا مکی، یا خفی یا رضی، یا زکی، یا یدی، یا قوی، یا ولی". (۱۵)

ادعیه و اوراد اذکار اسلامی بسیار متعدد است مثلاً در کتاب "مفاتیح الجنان" که مجموعه‌ای از ادعیه اسلامی (شیعه) است نزدیک به ۵۰۰ دعا درج شده است.

اهمیت ذکر و تکرار اسماء الله نزد عرفا

از حضرت رسول اکرم و ائمه اطهار روایات متعددی در اهمیت "ذکر حق" که همان تکرار محامد و نعوت ذات باری تعالی است وجود دارد. از جمله دو آیه از قرآن مجید نقل می‌شود: "... الا بذكر الله تطمئن القلوب" (رعد ۲۸) و نیز "اذکرونی اذکرکم". (بقره ۱۵۲) در اهمیت ذکر و تکرار اسماء جلالیه و جمالیة الهیة اقوال و عقاید متعددی از بزرگان صوفیه وجود دارد که حاکی از آن است که در مراحل سیر و سلوک، سالک باید با ذکر جلی و تمرکز فکر و حواس خود به حق، خود را فراموش کند و در حقیقت از هر چه غیر از حق و ذکر حق خالی شود و سراسر وجودش محلّ تجلی حق قرار گیرد تا در مراحل سیر و سلوک بتواند ترقی نماید.

در مورد وجوه گوناگون ذکر نزد عرفا، برخی از عقاید آنان از "فرهنگ اصطلاحات عرفانی" نقل می‌شود:

"ذکر- در کلمات عارفان به معانی یادکردن، مواظبت بر عمل، حفظ، طاعت، نماز، بیان، قرآن، حلم، شرف، شکر... ادهم خلخالی آورده است، بدان که ذکر، یادکردن حق تعالی است در بدایت کار به تکرار اسم آن حضرت، و اقرار به وحدانیتش، و در نهایت آن به شهود وجود پر جودش در مظاهر ممکنات. و فاضل‌ترین عبارات و الفاظ برای ذکر، کلمة طیبة "لا اله الا الله" است... و نیز گفته‌اند: ذکر به معنی استیلائی مذکور بر دل است. یا ذکر یعنی توجه به محبوب و غفلت از ماسوی... ذکر خفی- آن است که نه در مقام علم و نه شهود، بلکه بی آگاهی نفس باشد. به عبارت دیگر ذاکر زبان سر و سر را ببندد، و گه غیبت بنده با غیبت حق موافق شود... ذکر قلب- آن است که خدا به دل یاد شود چندان که فراموش نشود تا به یاد کردن حاجت نباشد... این است یاد دوست مهربان، آسایش دل و غذای جان. یادی که گوی دست و آنسش چوگان و مرکب او شوق و مهر او میدان. گل او سوز و معرفت او بوستان..." (۲۶)

توالی و تکرار اذکار در آثار حضرت اعلیٰ

حضرت اعلیٰ در آثار مبارکه خود به ذکر الهی و تکرار اسماء و صفات حق تعالی توجه بسیار داشته‌اند. قبل از اظهار امر، در ایامی که در بوشهر اقامت داشته‌اند ساعات متوالی در پشت بام به دعا و مناجات مشغول می‌شده‌اند و از همان ایام به "سید ذکر" معروف شدند. شاید علت تسمیة هیکل اطهر به "سید ذکر" در حقیقت این باشد که

اصطلاح "ذکر" که ریشه قرآنی دارد و از اسماء قرآن است در آثار مبارکه مخصوصاً قیوم الاسماء برای حضرت باب مکرر بکار رفته و جزء اسماء مبارک در آن کتاب است. در آثار مبارکه نازل از قلم حضرت ربّ اعلیٰ اذکار و آیات مخصوصه و به تعداد زیاد وجود دارد. از جمله در کتاب بیان فارسی چنین فرموده اند: "قل الله یکفی من کلّ شیء و لا یکفی عن الله ربّک من شیء لا فی السموات و لا فی الارض و لا ما بینهما انّه کان علاماً کافیا قدیراً و از برای هیچ مطلب این آیه راتلاوت نمائی بعدد اسم قدیر ۳۱۴ مگر آنکه مشاهده اجابت نمائی از مبداء امر، زیرا که خداوند بوده اقرب بتو از نفس تو بتو و قادر بوده بر هر شیء و عالم بوده و هست بهر شیء که اسم شیئیت بر آن تعلق گیرد." (۱۷)

و نیز در کتاب پنج شأن این آیه مبارکه نازل گردیده است: "... و در هر شب و روز نوزده مرتبه بگو لا اله الا الله حقاً حقاً..." (۱۸)

آن هیکل مکرم در اثر دیگری چنین فرموده اند: "...سؤال: ذکر مجربى از برای قضاء حوائج دنیویه و اخرویه خصوصاً حافظه و اولاد و اداء دین و رفع خیالات و عاقبت بخیری... جواب: پنجاه و نه مرتبه و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد". (۱۹)

و در کتاب امر و خلق، جلد چهارم، ذیل عنوان (ادعیه و اوراد و مناجات) چنین آمده است: "...از ادعیه و اوراد صادره از حضرت نقطه است که برای هر مطلبی خصوصاً برای فرج دو هزار و نود و هشت بار در یک مجلس "یا الله المستغاث" با توجه و حضور قلب خوانند و برای هر حاجتی دوست و هشتاد و یک بار: "اللهم اناک مفرج کلّ همّ و منفس کلّ کرب و مذهب کلّ همّ و مخلص کلّ عبد و منقذ کلّ نعش خلصنی اللهم برحمتک و اجعلنی من عبادک المنقذین". (۲۰)

و نیز در همین کتاب ذیل "صلوة مولود" چنین آمده است: "پنج تکبیر، در تکبیر اول نوزده مرتبه انا کلّ بالله مؤمنون و بعد از تکبیر ثانی نوزده مرتبه انا کلّ بالله موقنون و بعد از تکبیر سیم نوزده مرتبه انا کلّ بالله محیون و بعد از چهارم انا کلّ بالله ممیتون و فی الخامس انا کلّ بالله راضیون". (۲۱)

البته در آثار مبارکه حضرت ربّ اعلیٰ اذکار و اوراد بسیار دیگری برای رفع حوائج قضاء حاجات و موارد متعدد وجود دارد که برای اطلاع از آنها می توان به آثار مبارکه نازل از قلم آن هیکل اطهر مراجعه کرد.

اشاره‌ای به آثار منظوم حضرت بهاء الله

اولین اثری که از جمال مبارک در دست است قصیده معروف "رشح عما" است که در سال ۱۲۶۹ هـ ق (۱۸۵۳ م) در طهران نازل گردیده است. امتیاز این منظومه که در بحر ریع مطوی مکفوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن) سروده شده اینست که برای اولین بار مظهر امر طی آن امر خود را اظهار فرموده‌اند. این قصیده شورانگیز سرشار از جذب و شور و شوق و غلیان احساسات روحانیه مظهر کل الهی است و با عناصر متشکله آن از نیروی القاء و تأثیر شگرفی برخوردار است. (۲۲) در سالهای بعد تعدادی قصیده و غزل از قلم جمال مبارک نازل گردید که همه آنها لبریز از عواطف شوقیه و احساسات جذبیه آن هیكل مکرم بوده و حاکی از شور و انجذاب و عشق به محبوب ازلی و بشارت به ظهور کلی الهی است. این آثار جذبیه در الواح مبارکه‌ای که در ایام رضوان و اندکی پیش از آن نازل گردیده‌اند به اوج خود می‌رسند. (۲۳)

گروه دیگری از آثار منشور صادره از قلم جمال مبارک از قبیل کلمات مکنونه، هفت وادی، چهار وادی، الواح مریم، بخشی از کتاب ایقان، لوح شکر شکن، لوح بلبلان الهی، الواح یاران پارسی، مناجات‌ها و دهها اثر مبارک دیگر همه مشحون از ضایع لفظی و بدیعی و زیبایی‌های کلامی هستند که در این جا مورد بحث نمی‌باشند. (۲۴)

عنصر تکرار و توالی در آثار منشور جمال اقدس ابهی

اکنون آن دسته از آثار نازله از قلم جمال مبارک را که در آنها به عامل تکرار و توالی و تأثیرات القائی آنها توجه داشته‌اند به ترتیب تقریبی نزول نقل خواهیم کرد: البته باید به این نکته توجه داشت که در میان این دسته آثار مبارکه تنها دو اثر (ذکر کلمه الله ابهی و نماز میت) وجود دارد که در زمره احکام کتاب مستطاب اقدس محسوب‌اند. بقیه الواحی است که طی سالهای مختلف (غالباً الواح نازله در ایام رضوان و صیام) از قلم مبارک صادر گردیده است. در دسته دوم آیه‌ای بصورت (ترجیع‌بند) بعد از یک یا چند جمله به صورت برگردان تکرار می‌شود. در یک مورد (لوح اقدس) چنانکه خواهد آمد، یک کلمه (طوبی) به نشانه تأکید در اول هر جمله آمده و تکرار شده است.

۱. ذکر کلمه تکبیر (الله ابهی) ۹۵ مرتبه در هر شبانه روز

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس چنین فرموده‌اند: "قد کتب لمن دان بالله الدیان ان یغسل فی کل یوم یدیه ثم وجهه و یقعد مقبلاً الی الله و یذکر خمسا و تسعین مرّة"

الله ابهی...". (۲۵)

بیت العدل اعظم الهی در دستخط مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۹ ذکر فوق را برای عموم احباء مورد تأکید قرار داده و آنرا از اسماء الهی دانسته‌اند.

۲. صلوٰة مِیت

در صلوٰة مِیت بعد از تلاوت قنوت: "یا الهی هذا عبدک و ابن عبدک...". باید ۶ بار کلمه (الله ابهی) تلاوت شود و بعد از هر تکبیر، هر یک از این آیات ۱۹ بار تلاوت شود
 اَنَا كُلُّ لَهِ عَابِدُونَ، اَنَا كُلُّ لَهِ سَاجِدُونَ، اَنَا كُلُّ لَهِ قَانِتُونَ، اَنَا كُلُّ لَهِ ذَاكِرُونَ، اَنَا
 كُلُّ لَهِ شَاكِرُونَ، اَنَا كُلُّ لَهِ صَابِرُونَ. (۲۶)

ایجاد توجه و تذکر و تنبّه و تأثیرات القانی این اذکار شش گانه که هر بار ۱۹ مرتبه تکرار می‌گردد بسیار شدید است و این حالات را همه احباء بارها تجربه کرده‌اند.

۳. لوح سبحان ربی الاعلیٰ - حرف بقاء

این لوح به اعزاز حاجی میرزا موسی جواهری در بغداد نازل شده و مطلع آن اینست: "یا حرف البقاء فالبس نعلین الانتقطاع ثم امش علی رفر الاعلیٰ فسبحان ربی الاعلیٰ...".
 در این اثر جلیل برگردان "فسبحان ربی الاعلیٰ" در آخر هر جمله ۲۱ بار تکرار گردیده است.

۴. لوح هله هله یا بشارت

این لوح مبارک در اواخر ایام بغداد نازل شده و در بشارت به ظهور می‌باشد. آغاز این اثر مبارک اینست: "هو المحبوب، حور بقم از فردوس علاء آمد، هله هله یا بشارت...". و با این جملات دلنشین پایان می‌یابد: "این ذکر بدیع از گلشن باقی آمد تا عاشقان جمال جانان آتش حبّ از دل و جان در کمال اطمینان به بدایع لحن‌های خوش به آن مشغول شوند که شاید از جذبۀ آن عاکفان کعبۀ عرفان بشور آیند و وطن قدس الهی را فراموش نفرمایند". (۲۸)

در هر آیه این لوح برگردان "هله هله یا بشارت" تکرار گردیده و جمعا ۲۴ بار ذکر شده است.

۵. لوح غلام الخلد

این لوح که در ایام بغداد در بشارت به ظهور حضرت رب اعلیٰ نازل گردیده است با این عبارت آغاز می‌گردد: "هذا ذکر ما ظهر في سنة السّتين في ایام الله المقتدر المهيم العزيز العليم...".

این لوح مبارک به عربی است و در آخر هر جمله برگردان "فيا بشرى غلام الخلد قد جاء بماءٍ معین" تکرار شده و جمعا ۳۴ بار تکرار گردیده است. البته در هر برگردان صفت جدیدی برای "غلام الخلد" ذکر کرده اند فی المثل در یک برگردان: "... قد جاء باسمٍ عظیم" و در برگردان دیگر: "... قد جاء باسمٍ عظیم" الی آخر. در خاتمه این لوح مبارک جملات اختتامیه بسیار زیبایی (حدود دو صفحه) به فارسی نازل گردیده است: "منادی بقاء از عرش عماء ندا فرموده که ای منتظران وادی صبر و وفا و ای عاشقان هوای قرب و بقاء غلام روحانی که در کنائز عصمت ربّانی مستور بود به طراز یزدانی و جمال سبحانی از مشرق صمدانی چون شمس حقیقی و روح قدسی طالع شد... الی آخر". (۲۹)

۶. لوح ملاح القدس

این اثر جلیل در روز پنجم نوروز ۱۲۷۹ هـ ق (۱۸۶۳ م) در ایامی که هیکل مبارک و اصحاب برای چند روز در مزرعة و شاش (نزدیک بغداد) می گذارنده اند به عربی و فارسی نازل شد در قسمت عربی این لوح در پایان هر جمله آیه (فسبحان ربّي الابهی) آمده و جمعا ۴۱ بار به صورت برگردان تکرار گردیده است. (۳۰)

۷. لوح حور عجاب

این لوح منیع که در ایام بغداد نازل شده با جمله "قد طلع جمال القدس عن خلف الحجاب..." آغاز می گردد. در سراسر این اثر مبارک در آخر هر جمله کلمه "عُجاب" ذکر شده و ۲۹ بار تکرار گردیده است. (۳۱)

۸. لوح رضوان

این اثر مبارک در اواخر ایام بغداد نازل گردیده با این آیه مبارکه آغاز می گردد: "هو المستوي علیٰ هذا العرش المنیر، یا قلم الابهی بشر الملاء الاعلیٰ بما شق حجاب السّتر و ظهر جمال الله من هذا المنظر الاکبر بالضیاء الّذی به اشرقت شمس الامر من مشرق اسمه العظیم..." در پایان هر جمله برگردان "فيا مرجبا هذا عید الله قد ظهر عن افق فضل منیع" با جزئی تغییری ذکر شده و جمعا ۱۳ بار تکرار گردیده است. (۳۲)

۹. لوح از باغ الهی

این لوح مبارک در اواخر ایام بغداد به فارسی نازل شده چنین آغاز می گردد: "از باغ الهی با سدره ناری آن تازه غلام آمد. های های، هذا جذب اللّهی هذا خلع یزدانی هذا قمص ربّانی... الی آخر" در این لوح مبارک به ظهور حضرت رب اعلیٰ و هم چنین هیکل اطهر خود بشارت می دهند برگردان "های های" آمده و جمعا ۳۰ مرتبه در آخر هر

جمله تکرار گردیده است. این لوح منیع با این جملات دلنشین پایان می‌یابد: "... باید اطیار عرشی که قصد معارج قدسی نمایند به وله و آهنگی تلاوت نمایند که جمیع مَنْ فِي الْمَلِكِ رَأْسٌ قَدَمِي وَ حَيَاتِ اَبَدِي وَ زَنْدَگِي دَائِمِي بَخْشِد لَعَلَّ رَشْحَاتِ النَّارِ عَلِيَّ صَدُورِ الْاِبْرَارِ قَدْ كَانِ بَاذِنِ اللّٰهِ مَرْشُوشَا" (۳۳)

۱۰. لوح رضوان

این لوح با این مطلع آغاز می‌گردد: "هذا عيد الله قد ظهر عن افق فضل منيع. يا اهل سرادق العظمة ثم يا اهل خباء العصمة ثم يا اهل فسطاط العزة و الرحمة غنوا و تغنوا باحسن النعمات في اعلى الغرفات بما ظهر الجمال المستور في هذا الظهور و اشرفت شمس الغيب عن افق عزّ قديم..." (۳۴)

در آخر هر جمله این اثر جلیل این آیه تکرار شده است: "فيا مرحبا هذا عيدالله قد ظهر بطرازٍ عظيم" (با اندک تغییری جمعا پنج بار ذکر شده است)

۱۱. لوح ناقوس

لوح ناقوس در سال ۱۲۸۰هـ ق (۱۸۶۳م) در اسلامبول بخواهش آقا محمد علی اصفهانی از قلم جمال مبارک نازل گردیده است. این اثر مبارک با این جمله آغاز می‌شود: "هو العزيز هذه روضة الفردوس ارتفعت فيها نعمة الله المهيمن القيوم و فيها استقرت حوريات الخلد ما مسهن احد الا الله العزيز القدوس و فيها تغرد عندليب البقاء على افنان سدره المنتهى بالنعمة التي تتحير منها العقول و فيها ما يقرب الفقراء الى شاطي الغناء و يهدى الناس الى كلمة الله و ان هذا لحق معلوم" (۳۵)

هر جمله این لوح مهیمن با عباراتی خطابی آغاز می‌گردد و در سراسر این اثر منیع مؤده و بشارت ظهور مظهر کلی الهی تکرار می‌شود.

بند آغازین این لوح مبارک چنین است:

بسمك الهو و انك انت الهو يا هو، يا راهب الاحديه اضرب على الناقوس بما ظهر يوم الله و استوى جمال العزّ على عرش قدس منير، (سبحانك يا هو يا من هو هو يا من ليس احد الا هو)

شاید حرکت هیكل اطهر به طرف آسیای صغیر و نزدیک شدن به سرزمین‌های مسیحی نشین موجب شده که وجود مبارک این لوح مهیمن و پرطنین را خطاب به (راهب الاحديه) و امر به صدا در آوردن ناقوس آغاز فرمایند. این لوح مبارک با مخاطب‌های مختلف ادامه پیدا می‌کند و هر جمله با آیه (سبحانك يا هو يا من هو هو يا من ليس احد الا هو)

هو) به صورت برگردان ذکر می‌شود و جمعا ۲۸ بار تکرار می‌گردد. اگر دقت شود برگردان این لوح مبارک سه بار کلمه (هُو) و یک بار کلمه (هَوَ) آمده است کلمه (هُو) از یک حرف صامت (ه) و یک حرف مصوت (اُو) ترکیب شده و در موقع ادای این جمله سه بار کلمه (هُو) با ایجاد سه بار عامل صوتی مشترک در این جمله که به اصطلاح موسیقی در (فا ماژور) ادا می‌شود هیمنه و صلابت کم نظیری را به مخاطب القاء می‌کند که از نظر قدرت القائی و مشخصات آوایی اثری یگانه و ممتاز است. همه تأثیرات ۸ گانه‌ای که در صفحات گذشته برای تکرار و توالی برشمردیم در مورد این لوح منیع صادق است.

آنچه از استماع مجموع مفاهیم مندرج در این لوح فخیم به گوش می‌رسد مشخصه کوبندگی و هشداردهندگی آن است که در هر یک از جملات، جمال مبارک ظهور خود را با قدرت و صلابت کم سابقه اعلان می‌فرماید.

تعداد مخاطبان این اثر جلیل از قبیل: "هُود الحکم، طلعت البقاء، ملک التور، عندلیب السناء اهل الفردوس..." به ۲۱ می‌رسد که جمال اقدس ابهی با هیمنه و جلال امر خود را اعلام می‌فرمایند و از آنان می‌خواهند که بشارت این رستاخیز عظیم روحانی را به عالم امکان اعلام نمایند. هر یک از این خطابات شورانگیز به آیه پرتنین و گوشنواز: "سبحانک یا هو، یا من هو، یا من لیس احد الا هو" خاتمه پیدا می‌کند و با خاصیت آوایی این آیه، تأثیر خطابات ۲۱ گانه را شدت می‌بخشد.

پس از خطاب‌های ۲۱ گانه مذکور، حضرت بهاء الله طی ۷ بند بقیه لوح به ستایش محبوب یکتا می‌پردازند و درخواست می‌کنند الطاف و عنایات خود را شامل حال محبتان و عاشقان آن محبوب لایزال نمایند و شعله و حرارت حب خود را بیش از پیش در دلهای آنان برافروزند.

سراسر این اثر فخیم مانند سایر آثار عرفانی جمال مبارک مشحون از اصطلاحات و تمثیلات و اشارات عرفانی اسلامی است. بحث مشروح در باره عقاید عرفا و متصوفه در مورد این اصطلاحات مخصوصاً در مورد کلمه (هُو) و ترکیب (هَوَ هو) و (انا هو) به معنی (اتحاد بالذات) که همه حاکی از نعوت و محامد حق تعالی است و دیگر مباحث مشابه که ریشه در عرفان گذشتگان بخصوص عرفان اسلامی دارد خارج از حیطه بحث ماست. (۳۶)

۱۲. مناجات صیام

مناجات معروف صیام با آیه "بسمه المشرق من افق البیان. اللهم انی اسئلك بالآیة الكبرى و ظهور فضلک بین الوری ان لا تطردنی عن باب مدنیة لقائک و لا تخیبنی عن ظهورات فضلک بین خلقک. (ترانی یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی) این آیه اخیر تا انتهای این اثر مبارک بصورت برگردان ۱۳ بار تکرار شده است. (۳۷)

۱۳. لوح حمد

این لوح مبارک با مطلع "هو الله تعالی شأنه العظمة و الاقتدار، الهی الهی اشکرک فی کل حال و احمدک فی جمیع الاحوال..." آغاز می شود و در هر جمله ذات باری تعالی را هر بار با یکی از محامد و نعوت ستایش می نمایند و برگردان (یا لا اله الا انت) ۱۰ بار تکرار می شود. (۳۸)

۱۴. لوح انت الکافی یا لوح شفاء

این لوح مبارک که بین احباء بسیار معروف است با این جمله شروع می شود: "بسم الله الامنع الاقدس الارفع الابهی. بک یا علی بک یا وفی بک یا بهی، انت الکافی و انت الشافی و انت الباقی یا باقی." بطوریکه ملاحظه می شود در هر جمله که با کلمه (بک) شروع می شود چند بار صفات و اسماء حق را ذکر می فرمایند و در آخر هر جمله آیه مبارکه (انت الکافی...) ذکر شده و جمعا بصورت برگردان ۴۲ بار تکرار می گردد. کلمه (بک یا...) هم در این لوح مبارک ۱۱۳ بار تکرار شده است. (۳۹)

۱۵. لوح شفاء

این لوح مبارک با عنوان (هو الحافظ الشافی) آغاز می گردد ظاهرا از آثار نازله در عکا میباشد. جمله آغازین این اثر جلیل چنین است: "انت الذی یا الهی باسمائک یبراء کل علیل و یشفی کل مریض..." در این لوح منیع کلمه (کل) ۱۵ بار تکرار شده است. (۴۰)

۱۶. مناجات شفا

این مناجات با این جمله آغاز می شود "هو الشافی فسیحانک اللهم یا الهی اسئلك باسمک الذی به استقر جمالك علی عرش امرک و باسمک الذی به تبدل کل شیء و یحشر کل شیء..." کلمه (کل شیء) در این اثر مبارک ۸ بار تکرار شده است. (۴۱)

۱۷. لوح قد احترق المخلصون

این لوح معروف در سال ۱۸۷۱م در سجن عکا در ایامی که فتنه و فساد اصحاب ازل به

اوج خود رسیده و جمال اقدس ابهی از شدت حزن و اندوه عزلت گزیده بودند و اندکی پس از نزول آن واقعه معروف استنطاق رخ داد نازل گردیده است. مندرجات این اثر منیع حاکی از شدت مصائب و بلایای وارده بر هیکل اطهر می باشد.

این لوح منیع با این جمله شروع می شود: "بسم الله الاقدم الاعظم. قد احترق المخلصون من نار الفراق. این تشعشع انوار لقانک یا محبوب العالمین...". در این اثر کم نظیر که از نظر القاء حالت حزن و اندوه مظهر امر بی سابقه است، هیکل اطهر زبان بشکوه و شکایت می گشایند و برگردان (این... یا...). ۳۵ بار تکرار شده است. (۴۲)

۱۸. لوح اقدس

هنگامی که کشتی حامل جمال مبارک و عائله جلیله و اصحاب از ادرنه بطرف عکا حرکت می کرد وقتی کشتی به آبهای مقابل بندر اسکندریه رسید و لنگر انداخت. یک نفر کشیش اهل سوریه به نام (فارس) که در زندان با نبیل زرنندی آشنا شده و به وسیله او بامر مبارک هدایت گردیده بود عریضه ای به حضور جمال مبارک عرض کرد و از داخل زندان اسکندریه آنرا به وسیله جوانی مسیحی به حضور مبارک در کشتی تقدیم داشت. حضرت بهاء الله در لوحی خطاب به نبیل زرنندی کشیش مزبور را مورد عنایت قرار دادند و پس از ورود به عکا لوح اقدس را خطاب به وی نازل فرمودند. لوح اقدس از نظر محتوا بر ابلاغ امر مبارک به ملل مسیحی، راهبان و کشیشان و خلاصه همه کسانی که به مسیح ایمان دارند بسیار مهم است. در این لوح مبارک به کشیش مزبور ابراز عنایت فراوان می فرمایند و به وی امر می فرمایند ظهور مبارک را به مسیحیانی که از مظهر امر محجوب مانده اند ابلاغ نماید.

لوح اقدس در حقیقت اظهار امر و اتمام حجت مظهر کلی الهی به عموم ملل مسیحی اعم از روحانیون و افراد و آحاد مسیحیان است که تفصیل در باره آن از دائره بحث حاضر خارج است. (۴۳)

آنچه در این لوح منیع مورد نظر نگارنده است، بخش پایانی آن است. در این بخش چنانکه خواهیم دید جمال مبارک ۲۲ بار کلمه (طوبی) را تکرار کرده اند. به نظر چنین می رسد که حضرت بهاء الله در تکرار کلمه (طوبی) به "وعظ جبیل" حضرت مسیح نظر داشته اند. (۴۴) و خواسته اند با تکرار آن، مفاهیم وعظ جبیل را در خاطر مخاطبان تداعی فرمایند و به طور صریح رابطه خود را با مسیح و اینکه ایشان "ظهور پدر (اب)" هستند را به آنان خاطر نشان فرمایند. آنجا که فرموده اند: "... قل جاء الأب و کمل ما وعدتم

به فی ملکوت الله هذه كلمة التي بشرها الأبن اذ قال لمن حوله انتم اليوم لا تحملونها
فلما تم الميقات و اتى الوقت اشرفت الكلمة من افق المشيئة... (۴۵)

نتیجه بحث

پیش از آنکه سخن را به پایان بریم از آنچه در این پژوهش مطرح شد چنین می‌توان نتیجه گرفت که منظور حضرت بهاء الله از تکرار و توالی جملات در الواحی که نقل شد تأکید بر مفاهیم آنها بوده است. این تأکیدها در هر مورد می‌تواند یک یا چند یا همه تأثیرات هشت‌گانه‌ای را که در اوائل مقاله بدانها اشاره شد، بر مخاطبان داشته باشد.

* * *

سخن را با نقل آخرین بخش لوح اقدس که کلمه مبارکه (طوبی) در آن تکرار شده به پایان می‌بریم تا کام جان خوانندگان با حلاوت این جملات دلنشین شیرین گردد:

"...ذکر من قبلي من سمی بالمراد قل طوبی لک یا مراد بما نبذت مرادک و
اخذت مراد العالمین. قل طوبی لرافد انبه من نسماي طوبی لیمت حی من
نفحاتي. طوبی لعین قرّت بحمالي. طوبی لقاصد قصد خباء عظمتي و
کبریائی. طوبی لخائف هرب الی ظل قبایي. طوبی لعطشان سرع الی سلسیل
عنايتي. طوبی لذلیل تمسک بحبل ذکري. طوبی لروح بعث من نفحتي و دخل
ملکوت. طوبی لنفس هرّتها رائحة وصلي و اجتذبتها الی مشرق امر طوبی لاذن
سمعت و للسان شهدت و لعین رأّت و عرفت نفس الرّب ذي المجد و الملكوت و
ذي العظمة و الجبروت و طوبی للفائزين. طوبی لمن استضاء من شمس کلمتي.
طوبی لمن زتن رأسه باکلیل حیي. طوبی لمن سمع کربي و قام لنصرتي بین
شعبي. طوبی لمن فدی نفسه في سیلي و حمل الشدائد لأسمي. طوبی لمن
اطمننّ بکلمتي و قام بین الاموات لذکري. طوبی لمن انجذب من نفماتي و
خرق السبحات بقدرتي طوبی لمن وفی بعهدی و ما منعه الدنيا عن الورد في
بساط قدسي. طوبی لمن انقطع عن سوائی و طار في هواء حیي و دخل
ملکوتي و شاهد ممالک عزّي و شرب کوثر فضلي و سلسیل عنايتي و اطلع
بامري و ما سترته في خزائن کلماتي و طلع من افق المعاني بذكري و ثنائی انه
منّي عليه رحمتي و عنايتي و مکرمتي و بهائی."

یادداشتها

- * مجمل این مقاله در هفدهمین دوره (مجمع عرفان) جون ۱۹۹۸ در آکوتو(ایتالیا) ارائه شده است.
۱. ر.ک. وحید رأفتی، قصیده رشع عما، سفینه عرفان، دفتر دوم، دارمشتات، آلمان، عصر جدید، ص ۵۰.
 ۲. دکتر شاپور راسخ، مقدمه‌ای بر سبک شناسی آثار فارسی جمال مبارک، خوشه‌های از خرمن ادب و هنر شماره ۴.
 ۳. حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، حیفا، مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۵م، فقرة ۱۷۴.
 ۴. حضرت بهاء الله، کتاب ایقان، آلمان، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۹۹۸م، ص ۱۶-۱۵.
 ۵. کتاب ایقان، ص ۱۱۶.
 ۶. حضرت بهاء الله، ادعیه حضرت محبوب، قاهره، فرج الله ذکی الکردی، ۱۳۳۹م، ص ۱۹۳.
 ۷. ایضا، ص ۱۹۵.
 ۸. حضرت بهاء الله، مجموعه الواح مبارکه، قاهره، محی الدین صبری، ۱۹۲۰م، ص ۲.
 ۹. عبد الحمید اشراق خاوری، مطالع الانوار، تاریخ نبیل زرنندی (ترجمه و تلخیص)، دهلی نو، مؤسسه مرآت، ۱۹۹۱م، ص ۵۷۶.
 ۱۰. حضرت بهاء الله، مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۸، طهران، لجنة ملی محفظه آثار، ۳۲(ب)، ص ۳۴۹-۳۵۰.
 ۱۱. دکتر غلامحسین یوسفی، کاغذ زر، طهران، یزدان ۱۳۶۳ش، ص ۹۸.
 ۱۲. ایضا، ص ۹۹.
 ۱۳. دکتر حسین فاطمی، تصویرگری در غزلیات شمس، طهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش، ص ۲۹۸.
 ۱۴. جلال الدین محمد بلخی، گزیده غزلیات شمس، به کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی، طهران، کتابهای جیبی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۳.
 ۱۵. حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، طهران، سبحان، ص ۱۵۱.
 ۱۶. سید جعفر سجادی، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، طهران، ظهوری، ۱۹۹۲م، ص ۴۰۲.
 ۱۷. حضرت اعلی، کتاب بیان فارسی (الباب السادس من الواحد التاسع)، ص ۳۲۲.
 ۱۸. حضرت اعلی، کتاب پنج شأن، ذیل اسم لا اله الا الله (شأن فارسی)، ص ۳۶.
 ۱۹. حضرت اعلی، آرشیو مرکز جهانی بهائی، شماره ۱۹۱ INBA، ص ۱۹۴.
 ۲۰. اسدالله فاضل مازندرانی، امر و خلق جلد ۴، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۹۸۶م، ص ۵۸.
 ۲۱. امر و خلق، جلد ۴، ص ۷۳.
 ۲۲. برای اطلاع مشروح از مندرجات این اثر فخیم ر.ک. مرجع شماره ۱.
 ۲۳. برای اطلاع مشروح از این دسته آثار مبارکه ر.ک. ع صادقیان، مروری بر آثار جذیبه جمال اقدس

- ابهی، مجموعه محبوب عالم، کانادا، مجله عنذلیب، ۳-۱۹۹۲، ص ۲۶۹.
۲۴. برای اطلاع مشروح در باره صنایع لفظی و بدیعی در آثار فارسی جمال مبارک رک. مرجع شماره ۲.
۲۵. کتاب اقدس، ص ۱۸.
۲۶. ادعیه حضرت محبوب، ص ۲۱۴.
۲۷. عبدالحمید اشراق خاوری، گنج شایگان، طهران، مدرسه ملی مطبوعات امری ایران، ۱۳۲۴، ص ۶۱.
۲۸. ایضا، ص ۳۳.
۲۹. عبد الحمید اشراق خاوری، ایام تسعه، امریکا، کلمات پرس، ۱۹۸۱م، ص ۹۲.
۳۰. مجموعه الواح احتراق و ملاح القدس با ترجمه انگلیسی، آلمان، لوکس، بدون ناشر و تاریخ نشر.
۳۱. ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۵۳.
۳۲. ایضا، ص ۱۵۲.
۳۳. مجموعه آثار قلم اعلیٰ. شماره ۱۹، طهران لجنة محفظة آثار امری، ۱۳۲۲، ص ۴۴-۴۰.
۳۴. ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۵۸.
۳۵. ایضا، ص ۱۴۱.
۳۶. برای اطلاع مشروح از این بحث رک. کتاب ایقان و از جمله سید صادق گوهرین (شرح اصطلاحات تصوف) و سید جعفر سجادی (فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی) و کتب مشابه.
۳۷. ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۲۱.
۳۸. ایضا، ۴۹.
۳۹. ایضا، ۱۸۳.
۴۰. ایضا، ۱۹۹.
۴۱. ایضا، ۲۰۲.
۴۲. ایضا، ۱۶۹.
۴۳. مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۳۲۷، ص ۳.
۴۴. وعظ جبیل چنین آغاز می گردد: "طوبی للمساکین بالروح، لأن لهم ملکوت السموات، طوبی للحرانی، لأنهم یتعزّون، طوبی للودعاء، انهم یوشون الارض، طوبی للجباع و العطاش الی البر لأنهم یشبعون، طوبی للرحماء لأنهم یرحمون... الی آخر" انجیل متی، اصحاح ۵.
۴۵. لوح اقدس، ص ۵.